بسم الله الرحمن الرحیم شماره 526

**قانون تکامل**

**حرکت به سوی تعادل**

الحمدلله ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب الهنا ابی القاسم محمّد صلّی الله علیه و اله الطّاهرین سیّما بقیة الله الاعظم مولانا الحجّة ابن الحسن عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدّین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم : وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون[[1]](#footnote-2)

**دلالت آیات و روایات بر ظهور مهدی آل محمد عجّل الله تعالی فرجه**

از مسائل مسلّم در عالم اسلام که مورد اتّفاق همه ی فِرَق اسلامی از شیعه و سنّی است مسئله ی ظهور حضرت مهدی علیه الصّلوة والسّلام است آیات متعدّد درباره ی ظهور آن حضرت تفسیر و تأویل شده است مرحوم سیّد هاشم بحرانی عالم محقّق و متتبّع در کتاب «المهجه فیما نزل من القران فی القائم الحجة » شاید بیش از صد آیه که درباره ی ظهور حضرت مهدی علیه السّلام تفسیر شده جمع آوری کرده اند ، روایات و احادیث هم که درنهایت کثرت است که محقّقین گفته اند شاید کم مسئله ای از مسائل اسلامی داشته باشیم که از جهت کثرت روایات به این حد رسیده باشد ، روایات مشهور نبوی بطورمتواتر از شیعه و سنّی نقل شده حتمیّت این ظهور را میرساند که فرمود:

[لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُه ُاسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمَ أَبِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً[[2]](#footnote-3)1] یعنی اگر برفرض عُمر دنیا تمام بشود فقط یک روز بماند همان یک روز ، خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزد که اسمش ، هم اسم من است و کنیه اش مثل کنیه ی من است ، او زمین را پر از عدل و داد می کند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد0 حالا ما قبل از اینکه به آیات و روایات برسیم و توجیه و تفسیر کنیم با اندکی تأمّل در نظام طبیعی عالم به این حقیقت پی می بریم که اصلاً سیر طبیعی عالم طبیعت منتهی می شود به ظهور حضرت مهدی علیه السّلام ، یعنی عالم طبیعت از درون خود طالب مهدی است می کوشد خود را به دامن او بیفکند و آنجا آرام بگیرد ، راز این مطلب این است که بر اساس تحقیقات عمیقانه ی هستی شناسان عالم ، آنها که کارشان کاوشگری و شناختن نوامیس و قوانین عالم وجود است از طریق براهین متقن عقلی این مطلب را به دست آورده اند که از جمله ی نوامیس و قوانین لایتغیّر عالم طبیعت، "تکامل" است قانون تکامل از قوانین ثابت و لایتغیّر عالم است یعنی همه ی موجودات عالم طبیعت در جوهر ذاتش در حال حرکت به سوی کمال است.گفته اند : هر نوعی از انواع آفرینش از همان اوّلین روز پیدایش رو به کمال حرکت می کند با نیروی مجهّزی که مناسب است سعی می کند که خودش را به کمال برساند.

**ذکر چند مثال برای توجیه مطلب**

شما یک دانه ی گندم را در نظر بگیرید این دانه ی گندم که در دل خاک رفته است ، زبان حالش این است که من به این حال نمی مانم باید تحت شرایط و عوامل مختلف قرار بگیرم و حرکت کنم ، روزی به صورت سبزه ای سر از خاک برمی دارم ، ساقه ی بند بندی پدید می آورم ، در انتهای آن ساقه خوشه ای پر از سنبل های افشان ، دارای صد یا هفتصد دانه ی گندم بشوم ، این دانه ی گندم کمال نوعی اش همین است که برسد و یک خوشه ی گندم صد دانه ای یا هفتصد انه ای بشود ، از همان اوّل به سوی این کمال حرکت می کند. یا نطفه ی یک انسان از همان لحظه ای که در رحم شروع به رشد و نموّ می کند زبان حالش این است که من باید طی مراحل و مدارج کنم تا یک انسان کاملی بشوم ، قامت رعنایی ، چهره ی زیبایی ، مغزی متفکّر ، دانشمندی مبتکر ، با نیروی فکرم زمین و آسمان را به هم بپیچم ، جوّ و ماورای جوّ را بشکافم ، بلکه خود را به عرش اعلای پروردگارم برسانم ، و از طرف او ندا به گوشم برسد [دَنا فَتَدَلَّى‏ \*فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى[[3]](#footnote-4)1‏] سپس نزديكتر و نزديكتر شد. (۸) تا آنكه فاصله او به اندازه دو كمان يا كمتر بود. (۹)برسم به جایی که

ز احمد تا احد یک میم فرق است

همه عالم به آن یک میم غرق است

**جامعه بشری در مسیر کمال خود**

حالا جامعه ی بشری هم که متشکّل ازاین انسان های متکامل است ، او هم موجودی از موجودات این عالم است و از این قانون مستثنی نیست ، یعنی جامعه ی بشر هم می کوشد علی الدّوام که خود را به کمال خودش برساند ، نه تنها دانه ی گندم ، نه تنها نطفه ی انسان ، بلکه خودِ جامعه ی بشر هم می کوشد خود را به کمال خودش برساند ، یعنی چه ؟ یعنی بشود یک جهان متّحد با حکومت واحد قانون واحد حاکم واحد قاضی واحد توأم با صفا ، وفا ، صمیمیّت ، عدالت ، صداقت ، امنیّت ، از همان روز اوّل که شروع به حرکت کرده ، زمان به زمان جلو آمده تا به این حدّ که می بینیم رسیده است ، و بالعیان می بینیم که هنوز به کمال خودش نرسیده ، هنوزجامعه ی انسان ها نشده ، آن روز می تواند به کمالش برسد و جامعه ی انسانی بشود که جهان، جهان عصمت بشود دنیا، دنیای طهارت بشود ، آثار حقّ و عدالت از همه جای آن بروز کند ، درندگی ها ، وحشی گریها ، بیداد گری ها از بین برود ، دنیا هنوز به این آرزو نرسیده و زندگی در این دنیا فعلاً زندگی انسان ها نیست ، واقع مطلب این که ما هنوز زندگی ندیده ایم ، خیال می کنیم زندگی همین است که ما داریم ، ما زندگی می کنیم ، این زندگی است که ما داریم ؟ما انسان ندیده ایم خیال می کنیم که هر موجود دوپایی انسان است ، آیا اینها که سرِ دوپا راه میروند و دادِ تمدّن و حقوق بشر می زنند ، فریاد لِمَنِ المُلْکی شان عالَم را گرفته ، یعنی اینها همه انسانند ؟ یعنی کره ی زمین شش میلیارد انسان دارد ؟ انسان به این فراوانی ؟ مگر می شود ؟

دی شیخ با چراغ همی گشت گِردِ شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما

گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

آیا جامعه ی انسانها زندان هایشان مملوّ از دزد ها ، آدم کشها ، وطن فروشها میشود ؟

آن هم چه دزدهایی ، باسوادِ درس خوانده ، دانشگاه و دانشسرا طی کرده ، دکترا و مهندسی گرفته ، عجیب و غریب است!!

**درس خوانده های بی ایمان**

زمان سابق روی دیوارها می نوشتند، در روز نامه ها می نوشتند ، یک کلاس باز کنید ، در یک زندان ببندید ، منظورشان این بود که این که می بینید زندان ها پر شده چون کلاس ها خالی است، دانشجو و تحصیل کننده نیست ، یعنی اگر کلاس ها پر بشود همه ی زندان ها خالی می شود.اگر آدم ها با سواد بشوند دیگر ریشه دزدی و آدم کشی و بی عفّتی همه ی اینها از بین میرود ، آنها می خواستند بگویند که غلط می کند در مملکتِ باسواد ها درِ زندان ها باز بشود ، و این از عجائب است! شما سری به زندان ها بزنید ببینید چه دزد هایی آنجا خوابیده اند ، دزد هایی که در کلاهبرداری با یک نیش قلم می توانند نصف مملکت را بدزدند ، و به آغوش بیگانگان بیفکنند ، آیا جامعه ی انسانها بیمارستان هایشان مملوّ از بیماری های عجیب و غریب خانمان برانداز و بشر سوز است ؟ جامعه ی انسانها این همه خودکشی، سقط جنین ، طلاق ، بی عفّتی ، دربه دری ها دارد ؟آیا جامعه ی انسانی و دنیای تمدّن و اعلامیه ی حقوق بشر اجازه می دهد کشور خونخواری، کشور بینوایی را روی خیالات واهی سرکوب کند ؟ شب و روز با کمال بی رحمی زنان و کودکان و بیماران و پیران را مثل خرمنهای علف درو کند و روی هم بریزد ، این انسان است ؟ آیا این را می توانیم تمدّن بگوییم ، این توحّش است ، آیا انسانیّت همین است ؟به هر حال قانون تکامل می خواهد جامعه ی طیّب و طاهر ، انسان صالح و سالم بوجود بیاورد. ولی این جامعه ، سالم و صالح و طیّب و طاهر نمی شود جز در سایه ی حکومت واحد جهانی ، باید حکومت واحدی در کار باشد ، اگر چنین حاکمیّت واحدی نباشد هرج و مرج خواهد بود .در زمان سابق، نیاز به لزوم وحدت حکومت جهانی احساس نمی شد ، نه نیاز به این وحدت و حکومت احساس می شد و نه تحقّقش ممکن بود اصلاً ممکن نبود .

**پذیرش جهانی حکومت واحد عادل**

دویست سیصد سال قبل اگر میگفتند باید در عالم یک حاکم حکومت کند این اصلاً شدنی نبود ، حاکمیّت واحد مملکت ها ی گسترده ی از هم دور، مگرشدنی بود ؟ با نبود وسایل ارتباط ، تصوّر آن هم ممکن نبود تا به تحقّق آن برسد در آن زمان دشوار بود ، ولی حالا دیگر خیلی آسان شده ، هم نیاز به وحدتِ حکومت احساس می شود ، هم تحقّقش ممکن است ، بلکه لازم التّحقّق است ، آن زمان ناممکن بود ، الآن ممکن بلکه لازم است ، برای اینکه الآن دنیا یک خانواده ی با این عظمت شده ، شما خانه ای را در نظر بگیرید ، در این خانه ده تا اتاق هست هر اتاقی یک فرمانده داشته باشد ، برای اداره ی این خانه ، چه می شود ؟ از هر اتاق سری بیرون می آید ، قانون مال من ، فرمان مال من ، اراده مال من ، سر انجام این خانه چه می شود ؟ این خانه رو به فساد می رود ، همه اش تباهی و جنگ و خونریزی و بدبختی است. باید در این خانه یک نفر حاکم باشد ، از یک اتاق فرمان صادر بشود ، بگوید حاکم من هستم و قدرت مال من قانون مال من ، ولی به شرط اینکه عادل هم باشد ، اگر نباشد باز همان است ، حالا ده ظالم یا یک ظالم همه را می خواهد تصرّف کند و به میل خود بچرخاند ، باز حاکمیّت ظلم است ، لازم است در این خانه یک نفر حاکم آن هم حاکم عادل که دلسوز به حال همه باشد و مصالح همه را در نظر بگیرد ، حاکم الآن دنیا اینگونه شده است ، هر مملکت اتاقی ست اگر از هر اتاق سر برآرند و فرمان صادر کنند ، جز هرج و مرج نتیجه ای عاید نخواهد شد ، ولذا در این دنیا قانون تکامل اقتضا می کند جامعه ی صالح به وجود بیاید و آن حاصل نمی شود جز با حاکم واحد ، آن هم حاکم واحد عادل.

**یک روز ایده آل، نویدِ قانون تکامل**

لذا قانون تکامل طبعا این نوید را و این بشارت را به ما می دهد که بالاخره جامعه ی بشری یک روزِ ایده آل و فرخنده ای در پیش رو دارد ، که در آن روز سعادت و خوشبختی وکامیابی و تمام آمال و آرزو های بشر آن روز ، لباس تحقّق به خود می پوشد و تمام رذائل حیوانی ، بیدادگری ها ، وحشی گری ها برچیده میشود ، عالَم، امن و امان و بهشت برین می شود .[فيها ما تَشْتَهيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ[[4]](#footnote-5)1]

 آنچه می خواهد دلت همان بینی و آنچه بینی دلت همان خواهد مدینه ی فاضله ای می شود که حُکَما در خیال خود می سازند و شهر توحید و اقلیم عشقی می شود که در اصطلاح عرفا است ، قانون تکامل این نوید را به ما بشارت می دهد ، خالقِ عالم این قانون را قرار داده باید هر موجودی به کمال خود برسد ، این اراده ی خالق حکیم است 0 همان خالقی که گندم را حرکت می دهد تا به آن خوشه ی پر از دانه های فراوان برساند ، همان خدایی که نطفه را حرکت می دهد تا انسان نسازد، رهایش نمی کند ، هم او دستگاه جامعه ی بشر را رها نمی کند ، آنقدر حرکت می دهد تا به این روز برساند این نوید و بشارتی است که این قانون به ما نشان می دهد ، همین نوید را قرآن نشان می دهد چون گفتیم قبل از اینکه به قرآن و رو ایات برسیم خودِ این قانون طبیعی نشان می دهد ، خودِ این قانون می گوید من باید به حضرت مهدی علیه السّلام باید برسم به دامان او بیفتم ، باید به یک جامعه ای برسم که حاکم واحد وعادلی در آن باشد چون جز این نمی شود.

**قرآن و بشارتِ حاکمیّت قانون ثابت جهانی**

قانون این است ، قرآن همین را می گوید ، چهارده قرن قبل قرآن نوید داده ، بشارت داده[هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَالْمُشْرِكُون[[5]](#footnote-6)1‏] او این دستگاه را اداره می کند ، او بنایش بر این است که رسول بفرستد تا دینش را بر عالم مسیطر کند ، هیچ قانونی در عالم جز قانونِ من نباشد ، باید اینطور باشد اگر نباشد خلاف حکمت است ، منِ خالق، حکیمانه عمل می کنم ، گندم را من می رویانم به آن هدف می رسانم ، نطفه ی انسان را من به هدف می رسانم ، من باید جامعه ی بشر را به اینجا برسانم که تمام دین ها از بین برود ، همه ی قانون ها ، همه ی قدرت ها ، حکومت ها باید از بین برود ، یک حکومت با یک قانون در عالم ثابت باشد 0[وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون‏[[6]](#footnote-7)1] ما در عالم مقرّر کرده ایم ، این قانونِ ثابت من است من حتماً این مطلب را تثبیت کرده ام ، در همه جا نوشته ام در کتاب های آسمانی ، که باید زمین به دست صالحان اداره بشود ، باید برسد به جایی که فقط صالحان در آن حکومت کنند ، می فرماید : [وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى‏ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً [[7]](#footnote-8)2] در این آیه ی شریفه، پشت سر هم سه بار لام و نون تأکید آمده است ، [لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ] ، بطور قطع و مسلّم ، [لَیُمَکنّن لهم] ، حتما من باید دینِ مرتضی را در عالم تمکین بدهم ، مستقر بسازم ، این حتمی ست ، [وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً] ، باید من تمام خوف ها و وحشت ها را به امنیّت مبدّل کنم ، این خوف ها موقّت است از بین خواهد رفت و امنیّت جای آن خواهد نشست ؛ این آیاتقرآن نوید و بشارت همان تکامل را می دهد.

**اراده ی قطعی خداوند بر حاکمیّت مستضعفان در عالم**

[وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثين‏[[8]](#footnote-9)1] اراده ی ما تعلّق گرفته ، در مقابل اراده ی ما هیچ قدرتی نمی تواند بایستد ، ماخواسته ایم که مستضعفین به حکومت برسند باید آنها در عالم امام و پیشوا بشوند. از امام حضرت امیر علیه السّلام درنهج البلاغه چنین نقل شده که فرمود : [لَتَعْطِفَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ‏ الضَّرُوسِ‏ عَلَى وَلَدِهَا[[9]](#footnote-10)2] فعلاً این دنیا با ما ناسازگاری می کند ، فعلا شتر چموشی شده به ما لگد پرانی می کند ، و به صاحبش سواری نمی دهد ، گاز می گیرد ، لگد می زند ، حالا دنیا اینطور شده است ، شموسی می کند ، شماس همان چموش بودن است ، شتر سرکش شده ، ما را به زندان ها می افکند می کُشد فعلا اینگونه است و ناسازگاری می کند ، ولی بدانید روزی حتماً به سمت ما برمی گردد ، [لَتَعْطِفَنَّ] ، باز هم با تأکید بیان می کند ، بطور حتم و مسلّم دنیای چموش به ما سواری خواهد داد ، به سمت ما برمی گردد ، [لَتَعْطِفَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَاسِهَا] ، آن گونه که شتر بد خو حتّی به بچّه ی خود رحم نمی کند بی میلی می کند ، او را می زند ، یک روزی همان شتر بدخو بچه ی خودش را به دامان خود می گیرد.

**تأثیر اعمال انسان در انقلابات جوّی عالم**

بعد حضرت این آیه را متعاقباً فرمود :[وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثين‏[[10]](#footnote-11)1] و نیز امام امیر المؤمنین فرمودند : [مكتوب في راية المهدي‏: البيعة للّه.[[11]](#footnote-12)2] آن پرچمی که او برافراشته خواهد کرد روی آن پرچم نوشته شده است البیعة لله ، امروز حکومت و بیعت از آنِ خداست ، «اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا» باید گوش کنید و اطاعت کنید « اِنّهُيَبْلُغَ‏ سُلْطَانُهُ‏ الْمَشْرِقَ‏ وَ الْمَغْرِبَ.» او سلطنتش همه جا را میگیرد مشرق و مغرب عالم را زیر سیطره ی خوددر می آورد ، [لَا يَبْقَى‏ فِي‏ الْأَرْضِ‏ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا[[12]](#footnote-13)1] تا آنجا که بر روی کره ی زمین کسی نمی ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد حتی زنان پرده نشین؛ و این [واقعه] نزدیک ظهور قائم ماست.

به هر حال گفتیم قانون تکامل طبعش این است که می خواهد جامعه ی سالم و صالح بسازد و در نهایت هم می سازد ، امّا در این وسط انسان هم هست که موجود مختاری است ، یعنی خدا به او اختیار داده و می تواند ، هم قدرت تعمیر دارد هم تخریب ، اینجور خدا او را ساخته است ، در اثر اعمال همین انسان، دنیا منقلب و دگرگون می شود ، انقلابات جوّی در عالم بوجود می آید ، زلزله ، صاعقه ایجاد می شود ، جنگ پدید می آید ، اینها از اعمال انسان پیدا خواهد شد ، چون خدا اینجوری انسان را ساخته ، او مختاراست. [ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاس[[13]](#footnote-14)2] ‏[وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفيها فَفَسَقُوا فيها فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْناها تَدْميرا[[14]](#footnote-15)3] خدا به انسان قدرت داده که مخرّب باشد ، ویرانگری کند ، این برایش ممکن است ، ولذا اوّلین عامل انحراف در عالم که پیدا شد ، پسرِ آدم ابوالبشر بوجود آورد ، «قابیل» ، اوّلین انحراف از او پیدا شد ، برادرش هابیل را از روی حسد کشت و او را دفن کرد ، حضرت آدم علیه السّلام در سفر مکّه بود ، وقتی برگشت هابیل را ندید ، از قابیل، سراغ او را گرفت گفت : من نمی دانم او را که به من نسپرده بودی ، حضرت آدم به لحاظ خستگی سفر خوابید ، در عالم خواب دید پسرش هابیل بر بلندای کوهی رفته و فریاد می کشد : «الغیاث بک یا أب» پدر به دادم برس من را کُشتند ، وحشت زده از خواب بیدار شد ، جبرییل علیه السّلام کنارش بود ، ا زاو سؤال کرد پسر من هابیل کجاست ؟ ، گفت سرت به سلامت باشد خدا به تو صبر بدهد ، برادرش قابیل او را کشت ، کجا دفن کرده ؟ جبرییل علیه السّلام ، آدم و حوّا را کنار قبر هابیل برد ، جبرییل با اذن خدا اشاره به قبرکرد قبر شکافته شد جناب آدم پسرش را دید ، مغزش متلاشی شده خون به اطراف بدنش ریخته از شدّت ناراحتی غش کرد ، وقتی به هوش که آمد کنار نعش غرق به خون فرزندش شروع به مرثیه خوانی کرد ، مرثیه هایش نقل شده :

تَغَيَّرَتِ‏الْبِلَادُوَمَنْ‏عَلَيْهَا فَوَجْهُ الْأَرْضِ مُغْبَرٌّ قَبِيحٌ

‏تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي لَوْنٍ وَ طَعْمٍ وَ قَلَّ بَشَاشَةُ الْوَجْهِ الْمَلِيح‏(بحارج10ص77 )

یعنی فرزندم به این کیفیت تو رفتی و با رفتنت دنیا دگرگون شد ، دیگر میوه ها تلخ شد ، دیگر شادی ها به حزن و اندوه مبدّل شد. آیا حضرت آدم علیه السّلام برای همین پسرش این مرثیه ها را سرود ؟ یعنی فقط با مرگ هابیل دنیا دگرگون می شود ؟ زمین و آسمان منقلب می شود ؟ نه ، بعید است ، چون حضرت آدم صفی الله است ، پیغمبر بزرگ خداست ، ساخته شده ی دست خدا، مسجود فرشتگان است ، قبله ی ملائکه واقع شده ، عبارت[نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحي[[15]](#footnote-16)1]‏ از عظمت مقام او حکایت می کند ، بعید است که او تنها برای پسرش اینجور مرثیه خوانی کند 0

**نوحه و گریه ی حضرت آدم برای فرزندان مظلوم آینده ی خود**

معلوم می شود که حضرت آدم علیه السّلام با چشم دوربینِ نبوّت، عالم را تا روز قیامت می بیند زمان ما را می بیند ، او کنار اجساد آغشته به خون فرزندانِ آینده اش نشسته نه فقط هابیل ، بلکه همه را می بیند ، صحنه ی پر از ظلم و جور را می بیند ، می گوید: این ظلمی که درباره ی تو شد ، در واقع ظلم را در عالم پایه گذاری کرد ، به دنبال آن کُشتن ها خواهد بود ، آدم کشی ها و جنایت ها خواهد شد ، برای فرزندان آینده اش گریه و مرثیه سرایی می کند ، بله قابیل، هابیل را کشت بزعم خود کاری نکرد ، جانداری را بی جان کرد و بعد راحت و مشغول چریدن شد ، اما آدم علیه السّلام پیغمبر خداست ، آینده را می بیند ، می داند این عمل ارکان عالم هستی را می لرزاند ، بنیان کاخ سعادت بشر را متزلزل می کند در ظاهر برای او در واقع برای ما مرثیه سرایی کرده است.

**حدّ و مرز قدرت تخریبی انسان و صدور فرمان ظهور**

پس این انسان، قدرت تخریب دارد و چنان تخریب می کند تا جایی که نزدیک می شود عالم دگرگون بشود ، بعضی معتقدند کره ی زمین در یک قدمی نابود ی قرارگرفته و ممکن است این بشر با فشار دادن دکمه ای تمام زمین را منقلب کند ، خدا این قدرت را به بشر داده ، می تواند این کار را بکند اما نمی گذارد چون خلاف حکمت است ، اگر بخواهد همه چیز عالم تباه بشود این خلاف حکمت در عالم خلقت است ، او نگهبان و مُهَیمِن عالم است ، به انسان قدرت داده امّا اگر بخواهد به آنجا برسد نه ، آنجا اجازه ی این را نمی دهد ، عالم خلق نشده که به دست یک بشر ظالم به این کیفیت تباهی به بار بیاورد. یعنی آن وقت که رسید فرمان ظهور صادر می شود ، در آن لحظه با صدور فرمان ظهور ، که حضرت نیّر اعظم نیروی معدّل اَقْوَم وَلیّ زمان، صاحب دوران ، بزرگ فرمانده عالم امکان امام حجّة الحسن المهدی به اذن خدا از پرده ی استتار بیرون می آید و تکیه به دیوار کعبه می دهد و با صدای رسا اعلام می کند : [أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ‏ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّم‏[[16]](#footnote-17)1]

اولین سخنی که می گوید قرائت این آیه ی شریفه است: مردم ! من بقیة الله ، من ذخیره ی خدا هستم ، پرچم من هم پرچم بیعت برای خداست بشنوید و اطاعت کنید. ولیّ خدا دست به سینه ی این عالم در حال سقوط می گذارد و به آن می گوید آرام بگیر [قالَ الْإِنْسانُ ما لَها[[17]](#footnote-18)2] میگوید چه شده ؟ تو را چه می شود ؟ [إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها\* وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها\* وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها[[18]](#footnote-19)1] آن انسان کامل به این عالم در حال سقوط نهیب می زند ، آرام باش ، تنها او می داند این شتر مست مهار دریده ی از کوره در رفته را چگونه به مهار بیاورد ، آرام کند ، او می داند 0[يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ‏ ظُلْماً وَ جَوْرا] (بحارج26ص263) 0

**فتنه ی قبل از ظهور از نگاه امیر المؤمنان علی علیه السّلام**

در نهج البلاغه جمله ای راجع به فتنه ی قبل از ظهور دارد ؛ قبل از ظهورِ آن حضرت این بشر مخرّب خیلی تخریب می کند ، آن حضرت می فرماید : [حَتَّى‏ تَقُومَ‏ الْحَرْبُ‏ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ[[19]](#footnote-20)2] قبل از ظهور ،جنگ روی پای خود می ایستد ، مانند حیوان درنده ای که از شدّت خشم لب ها را کنار می زند و دندان هایش را نشان می دهد ، به این حال درمی آید [بَادِياً نَوَاجِذُهَا، مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا]پستان های جنگ مانند پستان های شتر که پراز شیر می شود این هم پر از زهر می شود ، [حُلْواً رَضَاعُهَا]آنهایی که کارگردانان میدان جنگند خیلی شاد و حشنود می شوند که این فتح و پیروزی های شیرین را به دست آورده اند ولی نمی دانند که عاقبت آن تلخ است ، و سر انجام ذائقه ی آنها را هم تلخ می کند ، یعنی اگر مهدی آل محمد ظاهر بشود دیگر غالب و مغلوبی در کار نیست در عالم همه چیز هیچ و پوچ می شود ،[عَلْقَماً عَاقِبَتُهَا، أَلَا وَ فِي غَدٍ وَ]به هوش باشید ، آینده ای در کار است [و سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ]در آینده حوادثی پیش خواهد آمد که شمااز تصوّرش هم عاجزید ، امّا آن روز که به این حدّ رسید ،[يَأْخُذُ الْوَالِي] آن فرمانروای مطلق ظهور می کند و جلوی این فساد ها را می گیرد [يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا ] آن فرمانروا غیر ازاین سلاطینی است که خود خواه و متکبّرند.

**کیفر اعمال خونریزان با ظهور امام زمان علیه السّلام**

 او وقتی که ظهور می کند [يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا ]

تمام کارگردانان این جنگ را می گیرد و [عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا]همه ی آنها را به کیفر اعمالشان می رساند ، بعد در عالم مسلّط می شود زمین آنچه در درون خود دارد در اختیار او می گذارد [وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيذَ كَبِدِهَا] زمین پاره های جگر خود را در اختیار او می گذارد [وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْماً مَقَالِيدَهَا]زمین تمام کلیدهای خود را به دست او می سپارد [ فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السِّيرَةِ]در آن روز آن حضرت نشان می دهد که چطور می شود انسان را اداره کرد و عدالت در سیره و رفتار چگونه در زندگی عملی می شود [وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ[[20]](#footnote-21)1.] مهدی که آمد بشر می بیند چگونه او قرآنِ مرده و سنّتِ مرده را زنده می کند ، آنکه می میراند ما هستیم کفّار نیستند ، کفّار با قرآن و سنّت کاری ندارند ، این ما هستیم که با رأیِ خود ، قرآن و سنّت را تطبیق می کنیم ، رأی خود را بر قرآن تحمیل می کنیم ، آیه و حدیث را مطابق رأی خود معنا می کنیم ، او می آید و احیا می کند ، [يَعْطِفُ‏ الْهَوَى‏ عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى] مردم عالم می بینند که همین مسلمان ها رأی خود را بر قرآن تحمیل کرده اند قرآن، قرآن حقیقی نیست ، مهدی آل محمّد می آید و هُدی را بر هَوی ترجیح می دهد و حقیقت را بر باطل غالب می گرداند.

**محو آرای باطل با حاکمیت قرآن**

[وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ[[21]](#footnote-22)1.] وقتی حجت حق دید که مسلمانان آرای خود را بر قرآن تحمیل کرده اند ، او می آید قرآن را جلو می افکند و تمام آراءباطل را از بین میبرد ، نقل شده وقتی او قیام می کند ،[وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ‏ بِهِ‏ أَحْلَامُهُمْ‏[[22]](#footnote-23)2] وقتی که او بیاید عقل ها جمع می شوند و به رشد می رسند ، تمام افکار عادلانه ی انسانی در عالم بروز می کند 0

**معجزه ی مشاهده ی امام زمان علیه السّلام در زمان ظهور**

ولذا [إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ‏ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ- يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ[[23]](#footnote-24)3.] از جمله معجزاتی که با آمدن امام زمان علیه السلام در عالم اتّفاق می افتد این که وقتی آمد جوری می شود که وقتی کنار کعبه ایستاده همه ی مردم دنیا او را می بینند و حرف های او را می شنوند ، خودِ مردم همدیگر را می بینند ، یکی در مغرب یکی در مشرق ، این سخنان برای گذشتگان ما قابل باور نبود تعبّداً قبول می کردند ولی حالا ما می بینیم مردم خودشان یکی در غرب یکی در مشرق همدیگر را می بینند حرف های هم را می شنوند آن روز تعجب می کردند ، مگر می شود امام زمان در یک گوشه بایستد همه او را ببینند ، همه ی مردم و حرفهایش را هم بشنوند ، روایت داریم اینگونه خواهد شد. [يُكَلِّمُهُمُ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي‏ مَكَانِهِ‏.[[24]](#footnote-25)1] او در جایگاه خود ایستاده و مردم او را می بینند و حرفهای او را می شنوند ، و آن حوادثی که گفتند پیش می آید ، ما باید مراقب باشیم از آن اشخاصی نباشیم که اینها را بوجود آوردند.

**کثرت با سوادان و قلّت عاملان در عصر غیبت**

[إِذَا ظَهَرَ‏ الْعِلْمُ‏ وَ اُحْتُرِزَ الْعَمَلُ[[25]](#footnote-26)2] آری در عصر غیبت، علم حقیقی از بین می رود و جهل در میان مردم وارد می شود ، همه باسوادند ، همه دانشمندند، چه بسا علوم دینی هم دارند اما در واقع توأم با جهل می شود ، جهل بروز می کند ، علم واقعی از بین می رود [وَ كَثُرَ الْقُرَّاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ]باسواد ها زیاد می شوند ولی عمل کم می شود ، [وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَة[[26]](#footnote-27)1]

عجیب است اوضاع زمان به گونه ای می شود که دانشمندان دینی که باید هدایت و ارشاد کنند کم می شوند ، امّا از آن طرف گمراه کننده ها زیاد می شوند ، پناه بر خدا می بریم از این که شرایط به گونه ای بشود که طرف دانشمند باشد ولی اهل عمل و برخوردار از ورع نباشد بنا بر این دانشمند بودن ملاک نیست ، چه بسا کسی در علوم دینی با سواد است اما ورع و تقوی ندارد ، اگر این شد او مضلّ است ، چه بسا ضلالتش بیشتر باشد ، ولو امّتی تابع عالمی باشند ، اگر این عالم بارع و فقیه هم باشد ، از علوم روز فقهی هم مطّلع باشد ، امّا اگر ورع نداشته باشد وجود او ضلالت آفرین است. امام امیر المؤمنین علیه السّلام در ادامه ی بیانات روشنگرانه و پیش بینی شگفت آور خود می فرمایند : در آن زمان [ مَسَاجِدُهُمْ‏ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقَهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ‏ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ‏ تَعُودُ[[27]](#footnote-28)2.]

مسجدها آباد ، و بسیار زیبا ساخته شده است ، شما در مکه و مدینه ببینید چقدر خوب ساخته اند دیگر بهتر از آن نمی شود ، انسان از دیدن آن مساجد کیف می کند و از آن همه زیبایی لذت می برد ، امّا [خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى] هدایتی در آن نیست ، فقط آباد و زیبا است.

**عادی شدن ربا خواری در عصر غیبت**

[اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ‏ وَ أَكَلُوا الرِّبَا[[28]](#footnote-29)1] دروغ را حلال می دانند ، ربا را هم به قول خود از شیر مادر حلال تر ، واقعاً خیلی باعث تأسّف است که در بازار مسلمانها ربا خواری عادی شده باشد ، دروغ گویی ، تدلیس ، کلاهبرداری ، عادیِ عادی شده باشد ، اصلاًواهمه ای ندارد که این پول مال مردم و مثلاً حرام است و نمی شود تصرّف کرد[وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا]ساختمان ها را محکم و مثلا ضدّ زلزله ساخته اند ، امّا دین را به دنیاشان فروخته اند ، هر چه هست دنیا ، و اصلاٌ دینی در کار نیست [وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ]در اداره امور، انسانهای نا لایق را بکار می گیرند و آنها را بر کارهای مهمّ می گمارند 0

**نزدیک شدن زنها به مردها در عصر غیبت**

[وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ[[29]](#footnote-30)1] و در کارهای مهمّ و حسّاس زن ها مورد مشورت قرار میگیرند ، مشکل بزرگ ما در حال حاضر مسئله ی زن هاست ، نزدیک کردن آنها به مردها در همه ی کارها، اینها را گماشتن این، خطر دارد ، به صرف اینکه حالا زن باسواد و سخنوراست ، خیلی خوب است ، بسیار خوب ، امّا فساد دارد ، قرآن کریم برای شرب شراب هم منفعت قائل است امّا می فرماید : گناهش بیشتر است [إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما[[30]](#footnote-31)2] درست است منافع مادی دارد ، خودِ شراب منافع مادی دارد قمار هم دارد ، امّا آن گناه بزرگ ، خطر زیان رسانش بیشتر است چرا آن را حساب نمی کنیم ؟ می بینیم در قسمت عمده ی کارها زن ها حضور دارند حتّی به هنگام مناجات و دعا ، گاهی رادیو را باز می کنم تا ببینم اذان شده یا نه ، می شنویم زن در حال اجرای برنامه است وبا صدای لطیف خود با خدا مشغول مناجات است ، این کارها درست نیست باید عاقلانه و مطابق دستور شرع مُبین عمل کرد 0

**ضرورت اصلاح روش تبلیغ دین در رسانه ی ملّی**

شب نیمه ی شعبان تلویزیون نشان می داد زن ها با مرد ها کنار هم ایستاده بودند و سرود می خواندند آن هم با این وضعیت خاصّ زن ها ، آیا این روش، مقبول امام زمان علیه السّلام است؟ آقا این کارها را تأیید می کنند ؟ و حال آن که این کار بیشتر مسخره گرفتن شعائر دینی است ما داریم به پیغمبر دهن کجی می کنیم ، واقعش این است که به امام زمان دهن کجی می کنیم ، خیال می کنیم جشن گرفتیم و امام زمان از این کارها خوشحال می شود ، نمی دانیم که با این برنامه های نا صحیح ، خون به دل امام زمان می کنیم ، این استهزاء است ، زن به چه مناسبت شب تولّد امام زمان ، کنار مردها با هم سرود بخوانند ، یعنی چه ؟ واقعا به دین استهزاء می شود ، نمی دانیم اصلاً نمی فهمند یا می فهمند امّا نفوذی از جای دیگر می شوند و تعمّدا این کار را می کنند ، چرا نباید اینها اصلاح بشود ؟ نباید رادیو و تلویزیون اصلاح بشود ؟

رسانه های عمومی عامل بزرگی برای هدایت و ضلالت هستند ، تنها چند برنامه ی تفسیری و مذهبی داشتن که کافی نیست ، برنامه های ضدّ مذهبی خراب تر می کند ، آن تأثیر را هم از بین می برد ، تفسیر و موعظه همه با دیدن یک فیلم مهیّج از بین می رود ، غالبا مشتری این برنامه ها جوان ها هستند ، پیرمرد ها که دیگر حال و حوصله دیدن این برنامه ها را ندارند و اگر هم می بینند تأثیر چندانی بر آنها ندارد امّا مخاطب جوان در اکثریت است. به هر حال آن زمان [وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَخَفُّوا بِالدِّمَاء[[31]](#footnote-32)1] از هوای نفس پیروی و آدم کشتن خیلی عادی می شود [ازْدَحَمَتِ‏ الصُّفُوفُ‏ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ]صف های نماز جماعت خیلی خوب تشکیل می شود امّا قلبهای نماز گزاران با هم مختلف و دلها پراکنده است ، بدن ها به هم چسبیده امّا دلها از هم رمیده است!

**مشارکت زنان با مردان در امر تجارت در عصر غیبت**

[وَ شَارَكَ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا [[32]](#footnote-33)1]

زن ها بطور جدّی با مردهایشان در امور تجارت و دنیا داری مشارکت می کنند ، هر دو باید کار کنند که دنیایشان تأمین بشود ، کاری به دین ندارند ؛ حالا دین این روش را می پسندد یا خیر، کاری به این نداریم ، بالاخره باید زندگی کنیم. [حِرْصاً عَلَى‏ الدُّنْيَا[[33]](#footnote-34)2] همه حریص به جمع آوری مال دنیا هستند ! از خدا می خواهیم که ان شاءالله به لطف و کرم خودش فرج امام زمانمان را نزدیک گرداند و قلب های ما رابه نور ایمان و یقین منوّر بفرماید ، چون با از بین رفتن نور ایمان و یقین تمام زندگی ما مختل می شود ، هم دنیا خراب می شود هم آخرت خراب می شود ، پروردگارا! به غربت امام عصر علیه السّلام قلب های ما را با تقوا و یقین منوّر بفرما ، فرزندان ما را ، جوان های ما را از ضلالت و انحراف حفظ کن ، حُسن عاقبت به همه ی ما کرم بفرما آمین یا ربّ العالمین والسّلام علیکم و رحمه الله و برکاته

1. .انبیاء/105 [↑](#footnote-ref-2)
2. 1 . بحار/ج51ص85 [↑](#footnote-ref-3)
3. 1 . نجم/8و9 [↑](#footnote-ref-4)
4. 1 . زخرف/71 [↑](#footnote-ref-5)
5. 1. توبه/33 [↑](#footnote-ref-6)
6. 1 . انبیاء/105 [↑](#footnote-ref-7)
7. 2 . نور/55 [↑](#footnote-ref-8)
8. 1 . قصص/5 [↑](#footnote-ref-9)
9. 2. عیون الحکم/ص405 [↑](#footnote-ref-10)
10. 1 . قصص/5 [↑](#footnote-ref-11)
11. 2 . التّشریف/ بامنن فی التّعریف بالفتن/ ص321 [↑](#footnote-ref-12)
12. 1. بحار/ج57ص213 [↑](#footnote-ref-13)
13. 2. روم/41 [↑](#footnote-ref-14)
14. 3. اسراء/16 [↑](#footnote-ref-15)
15. 1. حجر/29 [↑](#footnote-ref-16)
16. 1. کمال الدین و تمام النعمه/ج2ص384 [↑](#footnote-ref-17)
17. 2. زلزال/3 [↑](#footnote-ref-18)
18. 1 . زلزال/1تا3 [↑](#footnote-ref-19)
19. 2 . بحار/ج31ص549 [↑](#footnote-ref-20)
20. 1 . بحار/ج 31ص549 [↑](#footnote-ref-21)
21. 1. بحار/ج31ص549 [↑](#footnote-ref-22)
22. 2. کافی/ج1ص25 [↑](#footnote-ref-23)
23. 3. بحار/ج52ص336 [↑](#footnote-ref-24)
24. 1 . کافی/ج8ص241 [↑](#footnote-ref-25)
25. 2 . بحار/ج2 ص109 [↑](#footnote-ref-26)
26. 1. بحار/ج51ص70 [↑](#footnote-ref-27)
27. 2. کافی/ج8ص308 [↑](#footnote-ref-28)
28. 1 . بحار/ج52ص193 [↑](#footnote-ref-29)
29. 1. بحار/ج52ص193 [↑](#footnote-ref-30)
30. 2. بقره/219 [↑](#footnote-ref-31)
31. 1. بحار/ج52ص193 [↑](#footnote-ref-32)
32. 1. بحار/ج52ص193 [↑](#footnote-ref-33)
33. 2 . بحار/ج52ص193 [↑](#footnote-ref-34)